

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۳ (روز دانشجو) قیمت: رایگان

دانشگاه حکیم سبزواری

صاحب امتیاز: تیم رسانه همراه

مدیر مسئول: زهرا سیستانی

سر دبیر: رعنا موی

با تشکر از تمام کسانی که ما را در چاپ و نشر یاری نمودند

دانشجو روزن مبارک!



حراست و کمیته انضباطی لولو ندارن!



انتظاری: برخورد ما با دانشجو باید
منطقی و مهربانانه باشد



نصرتی پور: حراست چراغی ست نه
چماقی!

خودمونی...

صفحه ۱

دانشجو...

صفحه ای از تقویم

صفحه ۲

سه آذر اهورایی

صفحه ۳

نکته های ظریف

توافق نامه ژنو

صفحه ۵

مورد داشتیم

صفحه ۷

چه شده است که این قدر از گذشته‌ی خود دوریم و حتی در مواردی متغیر ... صفحه‌های تقویم دانشجویی خود را به چه قیمتی پاره می‌کنیم؟ بی آنکه آن‌ها را بخوانیم ... آری، حماسه‌ی بی مثال و بی نظیر ۱۶ آذر سال ۳۲ گمشده‌ی قلب هر دانشجو است ... ما که بودیم و به کجا می‌رویم؟ ...

حال واقعی بی‌انکار و بی‌مثال ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲:

از جمله جریان‌هایی که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقابل دیکتاتوری نظامی وابسته به آمریکا در ایران شکل گرفت، جنبش دانشجویی بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق با همکاری آمریکا و انگلیس و جایگزینی دیکتاتوری زاهدی، دولت کودتا به سرکوبی فعالیت‌های سیاسی جامعه پرداخت و کشور را عملاً به سمت وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به غرب سوق داد. نیروهای ملی با تشکیل «نهضت مقاومت ملی» که یک روز پس از کودتا صورت گرفت، سعی در شکستن فضای اختناق کردند. در این میان دانشجویان به عنوان بازوی اجرایی نهضت، عمل می‌کردند.

پس از بازگشایی دانشگاه در مهرماه ۱۳۳۲ که همزمان با شروع دادگاه فرمایشی دکتر مصدق، شایگان و مهندس احمد رضوی بود، جنب و جوش زیادی در میان دانشجویان برای فعالیت‌های سیاسی پدید آمد.

دانشجویان با سر دادن شعارهایی مثل «مصدق پیروز است»، نسبت به تجدید رابطه سیاسی با انگلیس شدیداً اعتراض کردند.

در روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ با ورود «دنيس رایت» کاردار جدید سفارت انگلیس به ایران دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، دندان پزشکی، فنی، پزشکی و داروسازی در دانشکده‌های خود تظاهرات پر شوری علیه رژیم کودتا و مقاصد آن بر پا کردند که در روز ۱۵ آذرماه این تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و ماموران انتظامی در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند. مجموعه این رویدادها و اعتراضات پیگیر دانشجویان پس از کودتا، که یکی از مهمترین قطب‌های متحرک و مخالف دولت را تشکیل می‌داد، رژیم را بر آن داشت که در آستانه ورود نیکسون معاون وقت رئیس جمهوری آمریکا به تهران، اقتدار خود را به آنها نشان دهد تا ورود نیکسون در کمال آرامش برگزار شود.

حالا همه‌ی این‌ها رو گفتم تا به این جا برسم که این‌ها رو بهت بگم ...

معذرت می‌خواهم ولی یه بار هم که شده خوب گوش کن و بعد قضاوت کن، من و چند نفر مثل من، دغدغه‌ی دانشجوی بودن رو داشتیم، دغدغه‌ی دانشجو رو داشتیم، دغدغه‌ی خنده‌آوردن به لب‌های هم‌نسل خودمون رو داشتیم اومدیم و دور هم جمع شدیم و یه تیم تشکیل دادیم و اسمش رو گذاشتیم "تیم رسانه ای همراز" ...

تا چیزایی رو که شما به صورت عادی بهش نگاه می‌کنید، ما "رصد" کنیم ... تا گاهی وقت‌ها بعضی حرف‌ها رو از شما به مسئولین انتقال بدیم ... من می‌دونم تمام دغدغه‌های من، دغدغه‌های تو هم هست ... پس این که من و امثال من یک نشریه زدیم چیزی جز جسارت نبوده، ما جسارت کردیم و ساکت نموندیم، جسارت کردیم و حرف دلمون رو زدیم ... تو هم اگه اهل جسارتی، اگه می‌خوای به همه بفهمونی که فرهنگت چیزی نیست که دزدیده بشه ... برای رصد کردن واقعیت‌ها با من همراز شو ... بسم الله ... شروع کن!

دانشجو صفحه ای از تقویم

روز شمار

عجیب در فکر بودم که مگر امکان دارد کسی به تاریخ و گذشته‌ی خود رجوع نکند ...؟ در بحث و گفت‌وگوی دوستانه‌ام با بعضی از بچه‌های کانون‌های فرهنگی، گروه‌های فعال دانشجویی و مجامع فرهنگی از آن‌ها جویای تاریخ بی‌نظیر یا آن واقعه کم‌نظیر شدم که کمتر از انگشتان دو دستم به فرد مطلع و آگاه برخورد کرده؛ یکی از دوستانم به زیبایی تمام واقعه را از چند روز قبل تا روز واقعه برای من توضیح دادند، بعضی‌ها جزئیات را هم می‌دانستند، بعضی‌ها فقط کلیات را و خیلی هم مشغله‌ها و دغدغه‌ها شخصی و کاری خود را بهانه کرده و اطلاعی از واقعه ۱۶ آذر نداشتند، گاهی هم به پرسش‌هایی برخورددم که اگر ایراد بنی اسرائیل نام بگیرند باید به آنها جایزه‌ی گینس داد، زیرا هر فردی را به یک موجود شاخ‌دار تبدیل می‌کنند، با حرف‌هایشان شاخ از سرم زد بیرون ... !!! به قول دوست بزرگی اصلاً از کجا معلوم که آن‌ها دانشجو بودند؟!!!! شاید تحریک شده و دست‌نشانده بودند!!!! (واقعا شاخ در آوردم!!!!)

سلام، روزت مبارک، چطوری هم‌دانشگاهی؟ خوش می‌گذره؟ اصل حالت خوبه یا نه؟ روز تو ی دانشجو مبارک ... تویی که از خونه و خون‌آدمت گذشتی تا پیشرفت کنی؟...

مهم نیست که ورودی هستی یا ترم بالایی ... مهم نیست که بندرعباسی هستی یا سبزواری، مشهدی هستی یا شیرازی ... مهم اینه که چقدر خودت رو می‌شناسی! ... چقدر باعث فخر نام دانشجو بودی! ... واقعا می‌دونی چرا امروز رو بهت تبریک گفتن و میگن یا نه؟

بذار خودمونی بگم ... منم مثل توام ... منم هم جنس و هم فکر و هم دغدغه‌ی توام ... منم می‌خواهم یه دانشجو باشم، دانشجویی که بر خلاف تمام شیطنت‌ها و کودکانه رفتار کردن-هاش ... گاهی اوقات دلش تنگ می‌شه، گاهی اوقات دلش می‌خواد سکوت کنه، گاهی فریاد بزنه و ...

۱۶ آذر سال ۳۲ یه سری بچه‌ها، از متن ماها، از دل ما دانشجوها رفتن و یه حماسه آفریدن، حماسه ۱۶ آذر؛ چون دلشون نمی‌خواست زیر بار ظلم برن ... من و تو هم همون دانشجوییم ...

بیا واسه چند دقیقه چند دسته‌گی رو بذاریم کنار ... بیا بریم توی یه کشور که مثل توی قصه‌ها همه با هم خوبن ... حالا یکی از خوبی ما حرص می‌خوره، دلش نمی‌خواد خنده‌مون رو ببینه، حالا یکی اومده می‌خواد از فرهنگ تو سوء استفاده کنه، راستش رو بخوای تهاجم فرهنگی یک واژه‌ی خیلی ساده‌اس ... فقط مربوط به دین و مرز و ... نمی‌شه تهاجم فرهنگی یعنی خود من و تو ... اومدن از "خودمون" واسه "خودمون" بد گفتن ...

نمی‌خواهم سرت رو درد بیارم اما بذار خنده‌ی تو باعث شادی یه مملکت بشه ... بذار مخالفین ما بدونن ایران هنوز به فرهنگ کوروش و داریوش پابنده ... فرهنگ اسلامی چیزی مخالف با فرهنگ زرتشتی نیست ... اگه این جمله‌ی من رو قبول نداری فقط چند خط قرآن بخون اون موقع متوجه می‌شی که قرآن یه چیزی فراتر از کردار و گفتار و پندار نیک ...

سه آخر اهورایر پی نوشت

دکتر علی شریعتی درباره ی این ۳ آذر اهورایی نوشت:

اگر اجباری که به زنده ماندن دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می‌زد، همان‌جایی که بیست و دو سال پیش، «آذر» مان، در آتش بیداد سوخت، او را در پیش پای «نیکسون» قربانی کردند!

این سه یار دبستانی که هنوز مدرسه را ترک نگفته‌اند، هنوز از تحصیلشان فراغت نیافته‌اند، نخواستند - همچون دیگران - کوبن نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه، به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخور خویش فرو برند. از آن سال، چندین دوره آمدند و کارشان را تمام کردند و رفتند، اما این سه تن ماندند تا هر که را می‌آید، بیاموزند، هر که را می‌رود، سفارش کنند. آن‌ها هرگز نمی‌روند، همیشه خواهند ماند، آنها «شهید»‌ند.

این «سه قطره خون» که بر چهره‌ی دانشگاه ما، همچنان تازه و گرم است، کاشکی می‌توانستم این سه آذر اهورائی را با تن خاکستر شده‌ام بپوشانم، تا در این سموم که می‌وزد، نفس‌گرد!

اما نه، باید زنده بمانم و این سه آتش را در سینه نگاه دارم.

انتشار خبر واقعه ۱۶ آذر و کشته و مجروح شدن دانشجویان، بسیاری از دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، با دانشگاه تهران ابراز همدردی کردند. در مراسم برگزاری سومین روز مقتولین، ده‌ها هزار تن از مردم تهران و شهرستان‌ها بر سر مزار شهیدان در امامزاده عبدالله شهر ری رفتند و در راه نظامیان قصد جلوگیری داشتند که با شکست روبه‌رو شدند. دانشجویان به عنوان اعتراض به جنایت‌های دولت کودتا، مدت ۱۵ روز از شرکت در کلاس‌های درس خودداری نمودند.

ادامه واقعه از زبان دکتر چمران: «درست روز بعد از ۱۶ آذر، نیکسون به ایران آمد و در همان دانشگاهی که هنوز به خون دانشجویان بی گناه رنگین بود دکترای افتخاری حقوق دریافت کرد و از سکون و سکوت گورستان خاموشان ابراز مسرت و به دولت کودتا وعده‌ی هر گونه مساعدت و کمک نمود و به رئیس جمهور آمریکا پیغام برد که آسوده بخوابد چون نگرانی‌ای که او نوشته بود برطرف شده و مملکت امن و امان است.»

حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه تهران ثبت شد. از آن پس همه ساله، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های ایران مراسمی به یاد شهیدان آن روز بر پا کردند. تا آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی روز ۱۶ آذر به عنوان «روز دانشجو» در تاریخ ایران گنجانده شد.

از این رو در یک اقدام کم سابقه در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، نیروهای لشکر ۲ رزمی به دانشگاه تهران اعزام شدند. نوع واحد نظامی اعزامی به دانشگاه، شیوه‌های بهانه جویی و نوع عملکرد و حتی تشویق‌های بعدی مهاجمان به دانشگاه تهران از سوی ارتش و ارتقاء درجه آنها از عواملی هستند که نشان دهنده قصد قبلی دولت کودتا برای سرکوبی دانشجویان در آستانه ورود نیکسون بود.

دکتر چمران که خود از دانشجویان دانشکده فنی بوده و در روز حادثه در کلاس درس حضور داشته است در خاطرات خود این روز را این گونه توصیف می‌کند:

«صبح شانزده آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیر عادی اطراف دانشگاه شده وقوع حادثه‌ای را پیش بینی می‌کردند. نقشه پلید هیات حاکمه بر همه واضح بود و دانشجویان حتی الامکان سعی می‌کردند که به هیچ وجه بهانه‌ای به دست بهانه جویان ندهند، از این رو دانشجویان با کمال خونسردی و احتیاط به کلاس رفتند و سربازان به راهنمایی عده‌ای کار آگاه به راه افتادند. ساعت اول بدون حادثه مهمی گذشت و چون بهانه‌ای به دست آنان نیامد به داخل دانشکده‌ها هجوم آوردند. آنها نقشه کشتن و شقه کردن دانشجویان را کشیده بودند و این دستور از مقامات بالاتری به آنها داده شده بود. سرکردگان اجرای این دستور و کشتار ناجونمردانه عده‌ای از گروه‌بازان و سربازان «دسته جانباز» بودند که اختصاصاً برای اجرای آن مأموریت در آن روز به دانشگاه اعزام شده بودند. در ساعت ۱۰

صبح «دسته جانباز» به همراه سربازان معمولی به دانشکده فنی رفتند. در این ساعت دانشجویان در سر کلاس‌های درس حاضر بودند و به خاطر شرایط ویژه دانشگاه و حضور گسترده نظامیان، از هر اقدامی که بوی اعتراض و تظاهرات دهد، اجتناب می‌کردند. هنگام حضور سربازان در دانشگاه و مقابل دانشکده فنی، دکتر سیاسی (رئیس دانشگاه) مهندس خلیلی (رئیس دانشکده فنی) و دکتر عابدی (معاون وی) سعی کردند که با مذاکره نیروهای نظامی را از دانشکده فنی خارج کنند ولی توفیقی به دست نیاوردند و حتی دکتر سیاسی اظهار داشت که این جا سربازان جانباز هستند و از مقامات بالاتر دستور می‌گیرند و از این جهت من قادر نیستم کاری انجام دهم.

سربازان به دانشکده‌ها حمله کردند و بدین ترتیب سه تن از دانشجویان به نام‌های (مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ نیا) به شهادت رسیدند و ۲۷ نفر دیگر دستگیر و عده زیادی مجروح شدند».

منابع:

۱- افراسیابی، بهرام؛ ایران و تاریخ، تهران، نشر زرین، ۱۳۶۴.

۲- اسماعیلی، علیرضا (و دیگران)؛ اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۷۵ - ۱۳۲۲ه.ش)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ج ۱.

۳- چمران، مصطفی؛ شانزده آذر به یاد حماسه و مقاومت دانشگاه و سه قطره خون یاران دانشجو، نهضت آزادی ایران، آذرماه ۶۱.

۴- حجازی، مسعود؛ رویدادها و داوری، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۵.

۵- شرکت، حمید؛ کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحاد ملی)، عطایی، تهران ۱۳۷۸.

۶- شریعت رضوی، پوران؛ طرحی از یک زندگی، تهران، چاپخش، ۱۳۷۶.

۷- متین، افشین؛ تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷ - ۱۳۳۲، ارسطو آذری (ترجمه)، تهران، مشر شیرازه، ۱۳۷۸.

۸- نجاتی، غلامرضا؛ تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران، رسا، ج ۱، ۱۳۷۱.

۹- نجاتی، غلامرضا، شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس بازرگان، رسا، تهران ۱۳۷۵.

۱۰- یزدی، ابراهیم، جنبش دانشجویی در دو دهه از ۱۳۲۰ تا ۱۳۱۰، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۳.

مقاله‌ها:

۱- مهدی، بازرگان؛ «دانشجو، دانشگاه و جنبش دانشجویی»، ماهنامه ایران فردا، سال اول، شماره ۴، آذر و دی‌ماه سال ۷۱.

۲- شاه حسینی، حسین؛ سه قطره خون، ماهنامه ایران فردا، شماره ۳۸، آبان و آذر ۱۳۷۶.





تفاوت حراست با کمیته انضباطی

چیست؟ هر کدام چه وظایف و محدودیه-

که اختیاراتی دارند؟

آقای انتظاری: ما و حراست در شروع کار در یک راستا هستیم، ضابطین انضباطی حدود ۱۵ نفر از اعضای انتظامات هستند، اگر موردی گزارش شود از طریق ضابطین که زیر مجموعه‌ی حراست می‌باشند به ما ارسال می‌شود، خانم فرهودفر این گزارشات را خوانده و طی جلسه‌ای با فرد خاطی صحبت می‌کند و حتی در صورت نیاز او را به دفتر مشاور می‌فرستد و تحقیقات بیشتری انجام میشود و بعد با تایید من به شورای انضباطی فرستاده می‌شود؛ شورای انضباطی متشکل از پنج نفر است که این افراد شامل رئیس شورای انضباطی (دکتر انتظاری) یک کارشناس انضباطی (خانم فرهودفر - که قبلاً خانم رازقی بودند) معاون نهاد رهبری و دو دانشجو (یک آقا و یک خانم) و در صورت لزوم یک نفر از اعضای هیأت علمی حقوق می‌باشند.

آقای نصرتی پور: در بعد کلی وظیفه حراست، پیشگیری و پیش‌بینی مواردی است که در سطح دانشگاه به وجود می‌آید. در دانشگاه دانشجویان با مسائل زیادی روبرو هستند. مسائل آموزشی، پژوهشی، امنیتی، رفاهی و... که دراصل حراست وظیفه‌ی حفاظت و تأمین امنیت دانشجو، استاد و کارمند را به عهده دارد درکل حوزه‌ی حراست شامل حفاظت پرسنلی (دانشجو، استاد و کارمند)، حفاظت آی تی (رصد فضای مجازی، حفاظت از سیستم دانشگاه و امنیت فناوری اطلاعات)، حفاظت فیزیکی و حفاظت اسناد است و هر کدام دستور کار مربوط به خود را دارد. در دانشگاه ناهنجاری‌های گزارش شده در حراست بررسی می‌شوند. اگر مورد به گونه‌ای باشد که با گفتگو قابل حل بود که هیچ. ولی اگر تکرار شد، گزارش برای کمیته انضباطی نوشته شده و بقیه‌ی کار به عهده‌ی این نهاد است. البته درموارد خاصی مانند درگیری و نزاع در حراست رسیدگی می‌شود زیرا کمیته انضباطی ابزار آنچنانی برای تکمیل پرونده ندارد. بنابراین "ما کمیته انضباطی نیستیم" و بحث ما بحث پیشگیری است و نه برخوردی. حراست دستگیر است و نه می‌گیرد.

در پی حرف‌ها و حدیث‌ها و اعتراض‌های دانشجویان از نحوه‌ی عملکرد حراست و کمیته انضباطی و برای تبیین فعالیت این دو دستگاه دولتی برآن شدیم که مصاحبه‌ای میدانی با دانشجویان انجام داده و سوالات آن‌ها را جمع‌آوری کنیم و جویای جواب سوالات آن‌ها شویم که در ادامه ابتدا سوال‌ها و بعد جواب‌ها برای شما آورده شده است.

در مصاحبه با کمیته انضباطی که خانم فرهودفر پاسخگوی ما نبودند، ما مجبور به مصاحبه با مقام بالاتر و رئیس شورای انضباطی، معاونت دانشجویی دکتر انتظاری، شدیم که متأسفانه زمان مصاحبه هم یک روز قبل از تمام شدن تاریخ حکم ضابطین انضباطی بود و در مواردی سوالات ما با لبخند و جوابی ناقص اما دلنشین (!) از سوی آقای انتظاری همراه شد...

و همچنین در طی مصاحبه‌ای دیگر با آقای نصرتی پور در ساعت ۷:۴۵ صبح با چشمانی پف کرده همراه با صرف چای جویای پاسخ سوالات دانشجویان شدیم....

اصلاً چرا کمیته انضباطی و حراست وجود دارد؟

آقای انتظاری: انتظامات در دانشگاه‌های خارج از کشور هم وجود دارد. برای اینکه دانشگاه را یک مکان مقدس و فرهنگی و علمی می‌دانند و باید یک سری حرمت‌ها برای دانشجو و دانشگاه قائل بود.

آقای نصرتی پور: حراست تنها نهادی‌ست که با بیرون از دانشگاه ارتباط دارد. مراجع بیرونی به حراست لینک هستند چون وظیفه حراست تأمین امنیت است. نگهبانان تا صبح بیدار هستند و مسیرهای مشخص شده را هر نیم‌ساعت سرکشی می‌کنند و کارت می‌زنند این یعنی زنده بودن مجموعه در شب. اگر نباشند امنیت هست؟ پیامبر فرمودند: دو نعمت برای مردم ناشناخته است. یکی سلامتی و دیگری امنیت، تا وقتی بیمار و دچار ناامنی نشوند قدر آن را نمیدانند. دانشجو باید بفهمد که حراست حتماً لازم و ضروریست.

آیا حراست و کمیته انضباطی فقط محدود به دانشگاه هستند؟

آقای نصرتی پور: وظیفه‌ی ما در داخل چهار چوب دانشگاه می‌باشد ولی اگر گزارشی از بیرون دانشگاه در مورد دانشجویی به ما برسد، حراست آن را رسیدگی می‌کند و کمیته انضباطی می‌گوید اگر این تخلف در خارج از دانشگاه صورت بگیرد و شأن دانشگاه را زیر سوال ببرد باید شدیدتر با آن برخورد شود..

البته خوابگاه‌های بیرون هم در حوزه‌ی ما هستند. اما نیروهای ما که در خیابان دنبال افراد راه نمی‌افتند! نه وقتش را داریم و نه وظیفه‌ی ما است.

در کل انسان دو شخصیت دارد: حقوقی و حقیقی و این دو نباید یکدیگر را نقض کنند. در بعد حقیقی باید طوری رفتار کنیم که شخصیت حقوقیمان را زیر سوال نبریم. دانشجوی ما نباید در خیابان کاری کند که بگویند دانشجوی حکیم این کار را کرده است. نمی‌گویند که آقا یا خانم فلانی...!! پس این موضوع به دانشگاه برمی‌گردد. کسی که دانشجو بودن را قبول کرده باید قوانین و مقررات را رعایت کند.

آیا کارمندان شما وظایف خود را انجام می دهند؟ نظارت بر آنها چگونه است؟

آقای نصرتی پور: همانطوری که برای دانشجویان کمیته انضباطی وجود دارد، برای کارکنان، هیئت رسیدگی به تخلفات کارکنان و برای اساتید، هیئت انتظامی اساتید را شاهد هستیم. اگر گزارشی مبنی بر تخلف به دست ما برسد، اول گفتگو و بعد ارجاع به هیئت رسیدگی به تخلفات است.

در رسیدگی به این تخلفات ابزار ما اخباری است که از طرف دانشجو می رسد، دانشجو همه جا رفت و آمد می کند و با همه سرو کار دارد در نتیجه ناظر بر اعمال و رفتار همه مجموعه دانشگاه است. پس شما نگذارید مشکلات در ذهنتان بماند و اینکه بگویید مسئولین می دانند و انجام نمی دهند! آنها را منتقل کنید تا در صدد رفع آن باشیم و در کنارش نقاط مثبت را هم ببینید.

نوع برخورد باید چگونه باشد؟

آقای نصرتی پور: تکریم ارباب رجوع، حتی در صورتی که درخواست خلافی داشته باشد. تکریم یکی از ابزارهای ما در اسلام است.

چرا هنگام صحبت کردن دو جنس مخالف بدون هیچ سوالی کارت دانشجویی را می گیرید؟

آقای انتظاری: در صورت مشاهده رفتار نامناسب، در ابتدا یک تذکر ساده داده و شماره دانشجویی یادداشت می شود و در صورت تکرار گزارش به کمیته انضباطی فرستاده می شود.

آقای نصرتی پور: در مورد ارتباط دختر و پسر، ضابطین وظیفه ای ندارند که نسبت دانشجویان را جویا شوند؛ چون ممکن است به نتیجه غلط برسند. پس کارت و مشخصات را گرفته و گزارش را برای ما می فرستند. دانشجو موظف است در کمال آرامش و احترام کارت خود را تحویل بدهد. برای اولین بار معمولاً گزارش داده نمی شود اما اگر تکرار شد طی گزارشی که به من می رسد دانشجو را دعوت و از آنها سوالاتی می پرسم زیرا در مواردی داشتیم که از دانشگاه های دیگر آمدند و مشکلاتی ایجاد کردند.

در اسلام داریم که نباید خود را در معرض اتهام قرار دهیم و در بنرها تاکید کردیم: "مشارکت آری، اختلاط نه."

چرا به آرایش و موهای من گیر داده می شود؟

آقای انتظاری: من یک دانشجو هستم ... نکته ای که وجود دارد این است که باید به عنوان یک دانشجو، قوانین و عرف دانشگاه را رعایت کنم، یک دانشجو نماینده ی دانشگاه است، نماینده ای است برای معرفی دانشگاه در بین آحاد مردم و عمل او نباید به موقعیت دانشگاه صدمه بزند، هرچند خانواده وی با این رفتار و آرایشش مخالف نباشند و حتی موافق صد در صد او باشند

آقای نصرتی پور: من با واژه ی گیر دادن مخالف هستم. بحث امریه معروف و نهی از منکر است همه ی دانشگاه های دنیا نهاد حراستی دارند. ترکیه، آمریکا، روسیه، سنگاپور، فیلیپین و ... (مثلا در دانشگاه هاروارد آمریکا، اداره پلیس وجود دارد و این اداره خود را ملزم به تامین امنیت دانشگاه میدانند.)

در مواردی که تذکر اثری ندارد برخورد شما چیست؟

آقای نصرتی پور: پیگیری وظیفه ی کمیته انضباطی است. اگر متوجه شدیم فرد خاطی اعتنایی به تذکرات ندارد به کمیته انضباطی ارجاع می دهیم. به طور مثال مسئله ی حجاب در آیین نامه موجود است، عدم رعایت پوشش، آرایش مبتذل و ... تا سه بار تذکر داده و بعد به کمیته انضباطی گزارش می شود. در آنجا همکار خانم، فرد را فرامی خواند، تذکر می دهد و تعهد می گیرد. درواقع چند مرحله برای اصلاح فرد وجود دارد و در صورت عدم توجه نهایتاً حکم صادر می شود. (یعنی در همان بار اول ریشه-ی طرف را نمی زنند.)

آیا درست است که برای سبزواری ها سخت گیر تر هستید؟ ...؟

آقای انتظاری: سردر دانشگاه به علت رفت و آمد بیشتر، نیازمند توجه بیشتری است و این به منزله ی تفاوت بین دانشجوی خوابگاهی و سبزواری نیست و باید این را در نظر گرفت که فرد ساکن خوابگاه به علت حضور مستمر در دانشگاه بیشتر با عرف دانشگاه آشنا است و آنها را بیشتر رعایت می کند و یک فرد سبزواری که از خانه می آید دانشگاه را خودمانی تر نگاه می کند.

آقای نصرتی پور: تبعیض در کار نیست با همه باید طبق آیین نامه رفتار شود. سرپرست خوابگاه ها وظیفه نظارت بر افراد خوابگاهی را دارند.

از کجا متوجه شویم به تمامی گزارشات رسیدگی می شود؟

آقای نصرتی پور: ما مامور به انجام وظیفه ایم و برخورد سلیقه ای را نمی پسندیم. اگر کارمندی سلیقه ای رفتار کند، من مسئول، متوجه شوم برخورد می کنم. او باید وظیفه اش را انجام دهد. تعارف که نداریم بالاخره آنها هم خطا دارند. اگر شما برخورد سلیقه ای دیدید گزارش بدهید ترسی نداشته باشید! من در این موضوع افراد زیادی را توبیخ کردم. اما دانشجو که نمی بیند! بنابراین ذهنیت منفی نداشته باشیم که این ها کار انجام نمی دهند.



آقای انتظاری: وضعیت کنونی دانشگاه نیازمند اصلاحات است، ان شاء الله در ترم جدید با گرفتن عضو افتخاری از بین دانشجویان با چهره‌ای صمیمی و مهربان‌تر در دانشگاه حضور پیدا می‌کنیم.

برای ارتباط با معاونت دانشجویی در تمامی موارد می‌توانید مشکل، پیشنهاد یا انتقاد خود را به شماره ۰۹۱۵۴۱۱۹۵۵۱ پیامک کنید

دانشجویان می‌توانند در صورت مشاهده خطا، خود تذکر داده یا به ما گزارش دهند

آقای نصرتی پور: در استفاده از نرم افزارهای شبکه اجتماعی مثل لاین، وایپر، تانگو و... دقت کنید. سرور هیچ کدام از این نرم افزارها در ایران نیست. هزینه‌ی زیادی بابت این نرم افزارها شده و آنگاه رایگان در اختیار شما قرار می‌گیرد... برای چی؟ تا برایشان نفعی نداشته باشد این کار را انجام نمی‌دهند. اولین کار این نرم افزارها این است که یک کپی از اطلاعات موبایل شما مثل عکس، دفترچه تلفن و ... را به سرورهایش ارسال می‌کنند. شاید بیرسید این اطلاعات به چه درد آنها می‌خورد؟ آنها اطلاعات را پالایش کرده و اطلاعات مدنظر خودشان را بهره برداری می‌کنند و بقیه را به کسانی که به این اطلاعات نیازمندند، می‌فروشند.

ممکن است این نرم افزارها دوربین موبایلتان را فعال کند بدون اینکه خبر داشته باشید!

استفاده از اطلاعات به کنار. آیا نمی‌خواهید در خانه و یا خوابگاه امنیت داشته باشید؟

بچه‌ها باید حواسشان را در فضای مجازی بیشتر جمع کنند.

و....

"حراست ترسناک نیست. حراست، حراست، چراغی ست نه چماقی! مراهی را نشان می‌دهیم که دانشجو درست تصمیم بگیرد و اگر هم خطایی کرد کمکش می‌کنیم که ادامه روند زندگی و تحصیلش دچار مشکل نشود"

و راه ارتباطی با حراست:

- ایمیل herasat@hsu.ac.ir (این ایمیل مستقیم برای خود من می‌آید.)

- مشکلات مربوط به خانم‌ها مراجعه به خانم خیرآبادی اتاق ۳۲۳ داخلی ۲۵۱۸

- تلفن خود من ۲۵۱۵

- شنونده‌ی پیغام‌های شما برای ارتباط با ما: ۰۵۱۴۴۰۱۳۳۳۳

نکته‌های ظریف توافق‌نامه ژنو

برداشت آزاد

در گرماگرم رقابت‌های انتخاباتی، موضوع هسته‌ای، نه از باب اصل موضوع که از باب چگونگی تعامل با دنیا - در اصل با آمریکا - مورد توجه جدی قرار گرفته بود و اغلب نامزدها در این خصوص نظریاتی داشتند اما رئیس‌جمهور محترم کنونی از برخی نامزدهای دیگر به صراحت بیشتری در این باره اظهار نظر کرد و در ضمن یکی از جلسات مناظره، به طور تلویحی مشکلات اقتصادی کشور را ناشی از تحریم‌ها و نحوه مذاکرات دانست و با بیان اینکه «هم چرخ زندگی مردم باید بچرخد و هم چرخ سانتریفیوژها» اعلام کرد که اروپائیان، آقا اجازه هستند و باید مستقیم با کدخدا مذاکره کرد و... بعدها و با پیروزی ایشان در انتخابات، مذاکره جدی با ۱+۵ و در مواردی مستقیم با آمریکا با هدف «لغو تحریم‌ها» که از ابتدا وعده آن را داده بودند به طور جدی دنبال شد. در ماه‌های اول هم نویدهایی مبنی بر تلاش برای برطرف کردن تحریم‌ها داده شد و امیدواری‌هایی در جامعه به وجود آمد. همان زمان برخی می‌گفتند که اعمال تحریم‌های ظالمانه از سوی آمریکا، نه به علت فعالیت هسته‌ای ما، که به دلیل ماهیت ظالمانه آن کشور و همچنین ماهیت اسلامی و انقلابی ماست و طبیعتاً با هزار جلسه و مذاکره هم نمی‌توان انتظار داشت ماهیت آمریکا عوض شود...

اما در صدمین روز مذاکره اتفاق دیگری رخ داد. آن اتفاق، تغییر دستور جلسه مذاکرات بود. در حالیکه مردم ما منتظر بحث و گفت‌وگو بر سر تحریم‌ها بودند، برخی از غربی‌ها، دستور جلسه را به بحث و گفت‌وگو بر سر میزان غنی‌سازی و چگونگی فعالیت - یا در اصل تعطیل محترمانه و حتی غیرمحترمانه - تأسیسات اتمی ما تغییر دادند! البته برای خالی نبودن عریضه نیم‌نگاهی هم به بحث تحریم‌ها شد که نتیجه و وزن آن به تمامی در توافق‌نامه ژنو مشهود است! در آن توافق‌نامه، در برابر چندین و چند تعهد مهم، حیاتی و الزام‌آور ایران، غربی‌ها چند تعهد مختصر، غیرکاربردی و واجد کمترین ارزش - که البته تعدادی از آنها هرگز عملیاتی هم نشد - دادند!

در این باره حتی برخی نزدیکان دولت هم اظهار نظر کردند که یک نمونه از آنها، اظهارات مشاور ارشد دکتر روحانی و مذاکره‌کننده ارشد ایران در دوره اصلاحات یعنی سیروس ناصری است. وی گفته بود: «اتفاقی که در ۲۰ ژانویه سال گذشته با اجرای توافق ژنو افتاد اتفاق مثبتی نبود و معلوم شد که ۱+۵ و به ویژه آمریکا هر جا که برخی مواد روشن نباشد، سوءاستفاده می‌کنند لذا باید در توافق‌نامه‌هایی مراقبت زیادی شود...» اما این همه ماجرا نیست و اینگونه نیست که طی زمان تنظیم توافق‌نامه و تمدید بعدی آن تاکنون، متن تنظیمی از سوی طرفین به صورت یکسان اجرا شده باشد. در حالی که به گفته رئیس‌جمهور کشورمان و نیز مقامات ارشد غربی ایران به توافق ژنو کاملاً پایبند بوده و مفاد آن را دقیقاً عملیاتی کرده است، ۱+۵ و به خصوص آمریکا، در همین زمان علاوه بر نقض مکرر تعهدات خود، اقدامات خصمانه تازه‌ای را علیه ما رقم زده و تحریم‌های جدیدی بر ضد ملت ما وضع کردند. علاوه بر ده‌ها دلیل و سند و مدرک برای این مدعا از قبیل تحریم شرکت‌ها و اشخاص جدید ایرانی یا کارشناسی در فرآیند تجاری کشورمان و تهدید بانک‌ها و بیمه‌های بین‌المللی به عدم همکاری با ایران و... چندی قبل سخنگوی دولت نیز صریحاً از افزایش تحریم‌ها در یکسال گذشته خبر داد.



- در یک سال گذشته آمریکا به صریحترین زبان اعلام کرده که قابل اعتماد نیست و معلوم نیست دیگر چگونه باید از این روشتر بگوید؟! نامه اخیر سناتورهای آمریکایی به اوباما مبنی بر قرار دادن برنامه موشکی ایران در موضوع مذاکرات، نامه چندی قبل مبنی بر قرار دادن موضوع نقض حقوق بشر در ایران به عنوان موضوع مذاکرات، استمرار تحریمها علیه ایران با امضای شخص اوباما، همسویی و هم‌نظری جمهوریخواهان و دموکراتها در اعمال فشار و تحریمهای تازه و... همه و همه از صراحت لهجه آمریکاییها در خیانت و پشت پا زدن به هر توافقی حکایت می‌کند.

از آنطرف سازمان ملل و آژانس انرژی اتمی در همدستی و هم‌دستانی با غرب، سنگ تمام گذاشته‌اند. آخرین نمونه آن گزارش مغرضانه و دروغین آژانس درباره وضعیت هسته‌ای کشورمان است که طی آن و پس از یازده سال بازدید منظم و دائمی از تمامی تاسیسات هسته‌ای کشورمان و هر محل مورد نظر دیگر، باز هم اظهار داشته‌اند که هنوز هم نمی‌توانیم درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران اظهارنظر کنیم! که باید گفت کسی که نتواند پس از یازده سال مشاهده و معاینه از نزدیک سخن صریحی بگوید، یا احمق است یا نوکر! که البته درباره آنها می‌توان هر ۲ گزینه را انتخاب کرد!

چالش هسته‌ای و ابراز نگرانی آمریکا و متحدانش از احتمال حرکت ایران به سوی تولید سلاح هسته‌ای - DIVERSION - که طی ۱۲ سال گذشته بر آن تکیه کرده‌اند در حد و اندازه یک «بانه» و «پوشش» برای مقابله با اقتدار پرشتاب ایران اسلامی است. درباره این واقعیت غیرقابل تردید که حریف مذاکرات هسته‌ای را با اهداف غیرهسته‌ای دنبال می‌کند چند نکته گفتنی است:



- چند ماه قبل، شبکه تلویزیونی CNN طی گزارش مستندی اعلام کرد که درحال حاضر دست کم ۱۷ هزار بمب هسته‌ای در جهان موجود است و تاکید کرد که این رقم، غیر از کلاهک‌های هسته‌ای آماده شلیکی است که تخمین تعداد آن به آسانی ممکن نیست. در این گزارش آمده بود که بیشترین تعداد بمب‌های هسته‌ای در اختیار آمریکاست و روسیه، انگلیس، چین و فرانسه در رده‌های بعدی قرار دارند. اکنون باید پرسید که وجود هزاران بمب هسته‌ای در اختیار آمریکا- باتوجه به اینکه آمریکا تنها کشور استفاده کننده از بمب اتمی است- نگران‌کننده نباشد ولی احتمال دسترسی ایران به یک بمب هسته‌ای باعث نگرانی جامعه جهانی شده باشد؟! آقای هانس بلیکس مدیر کل اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «راشاتودی» ضمن ارائه یک گزارش مستند و مختصر، نتیجه گرفت که «نگرانی غرب از برنامه هسته‌ای ایران ساختگی است و هدف اصلی آنها جلوگیری از قوی‌تر شدن ایران است».

- برای حریف «تحریم‌ها» اصل است و نه فعالیت هسته‌ای. اوایل دسامبر ۲۰۱۲ - آذر ماه ۱۳۹۱ - در محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب این احتمال مطرح شده بود که ممکن است ایران برای اعتمادسازی، غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم را متوقف کند و غرب در قبال آن برخی از تحریم‌ها را لغو کند. در پی این احتمال، دیوید فروم، یکی از نظریه‌پردازان نزدیک به کاخ سفید طی مقاله‌ای در سایت CNN نوشت «اگر پرونده هسته‌ای ایران به نقطه پایان برسد، غرب برای حفظ پرستیژ بین‌المللی خود چاره‌ای جز لغو برخی از تحریم‌ها ندارد و حال آن که تحریم‌ها با دو هدف پلکانی تعریف شده‌اند. اول تغییر رفتار سیاسی ایران و دوم تغییر ساختار (تغییر نظام)، پیش از او، جرج فریدمن، مسئول مرکز راهبردی «استراتفور» -معروف به باشگاه کهنه‌کاران- CIA گفته بود «مشکل ما با ایران بر سر فعالیت هسته‌ای این کشور نیست، بلکه مشکل آن است که ایران نشان داده است نه فقط بدون حمایت آمریکا، بلکه در حال درگیری با آمریکا نیز می‌توان بزرگترین قدرت تکنولوژیک و نظامی منطقه بود. این پدیده ایران را به یک الگو برای کشورهای اسلامی تبدیل کرده است و بهار عربی (انقلاب‌های اسلامی منطقه) را در پی داشته است». صرف‌نظر از هویت فریدمن، آیا واقعیت غیر از این است؟

-گفتنی و البته گلايه کردنی است که متأسفانه تیم مذاکره‌کننده کشورمان با تمرکز روی مذاکره دوجانبه با آمریکا تحت عنوان غلط‌انداز «مذاکرات سه‌جانبه» به دلیل حضور خانم کاترین اشتون، بی آن که بخواهد و یا متوجه باشد، به طرح فریب یاد شده از سوی آمریکایی‌ها دامن زده است. وقتی تیم محترم هسته‌ای بیشترین نشست‌های خود را با وزیر خارجه آمریکا برگزار می‌کند، به طور طبیعی این توهم را نشر می‌دهد که از میان ۶ کشور ۱+۵ فقط آمریکاست که تصمیم‌ساز و سیاست‌پرداز است!

-همانطور که گفته شد مذاکرات یاد شده فقط تابلو و پوشش هسته‌ای دارد و حریف از این مذاکرات اهدافی غیرهسته‌ای را دنبال می‌کند» و این که «نمایندگان آمریکا و اروپا در جریان مذاکرات اگرچه ظاهراً چشم به میز مذاکره دوخته‌اند ولی نگاه آنان با نگرانی در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، افغانستان، مصر، اردن، عربستان، آمریکای لاتین و... پرسیه می‌زند و از کابوس وحشتناکی که اقتدار رو به رشد جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام برای آنها آفریده است، دلهره دارند. بنابراین، موضوع اصلی مذاکره از نظر آنان، اقتدار پرشتاب ایران اسلامی است و نه تولید احتمالی یک بمب هسته‌ای.

اکنون جای آن است که به آنچه روز سوم آذرماه در پایان مذاکرات وین ۸ اتفاق افتاده است نگاهی - هرچند گذرا - داشته باشیم:

-در پایان مذاکرات وین ۸ که قرار بود «توافق نهایی» را در پی داشته باشد، طرفین مذاکره پذیرفتند «توافق ژنو» که یکسال قبل حاصل شده بود برای ۷ ماه دیگر - ۱۰ تیرماه ۹۴ - اول جولای ۲۰۱۵- تمدید شود. درباره ماهیت و محتوای توافقنامه ژنو به مختصر به برخی از مهمترین «امتیازات نقدی» که داده‌ایم و «وعده‌های نسیه‌ای» که در قبال آن گرفته‌ایم اشاره می‌کنیم. مطابق توافقنامه ژنو، غنی‌سازی ۲۰ درصد خود را متوقف کردیم (امتیاز نقد)، اورانیوم ۲۰ درصد غنی‌شده خود را اکسیده کردیم (نقد) فرآیند تحقیق و توسعه هسته‌ای کشورمان را که به تحقیق روی سانتریفوژهای پیشرفته P8 با ظرفیت جداکنندگی ۲۴سو- - SWU رسیده بود، به تحقیق روی سانتریفوژهای P1 و نهایتاً P2 تنزل دادیم (نقد)، ادامه ساخت رآکتور آب سنگین اراک - R40 را متوقف کردیم (نقد) و فعالیت‌های در حال انجام دیگری که متوقف و یا به سطح پایینی کاهش دادیم.



مورد داشتیم...

ظفر

مورد داشتیم که ترمکی از کسی جلوی سلف پرسید: «بخشید! ژتون غذا رو باید از کجا بگیرم؟» بهش گفته شده: برای ورودی ها که اینجا غذا نمیدن. یکسال کامل سفره براشون تو مهدیه میندازن!

مورد داشتیم گفته استاد کارتون داریم، بعد زنگ میگیرم!

مورد داشتیم بهش میگن برو سر در اصلی سر از مزر افغانستان در میاره!

مورد داشتیم از استاد پرسیده آز یعنی چی؟!؟

مورد داشتیم رفته از مسئول آموزشی خواهش کرده بفرستنش کلاس دوستش!

مورد داشتیم رفته انتشارات گفته برام کپی بزنی خانم گفته: چند سری؟ طرف گفته سری یعنی چی؟!؟

مورد داشتیم از استاد فامیلیش رو پرسیدن!

مورد داشتیم چند روز اول با بقیه همکلاس هاش میرفته که گم نشه!

مورد داشتیم روز اول از خوابگاه اومده بیرون، بعد کلاش راه خوابگاهشو گم کرده!

مورد داشتیم رفته آموزش گفته استاد نمیدانم اگه میشه بهمون توپ فوتبال بدین!



-- در حالی که متأسفانه دولت در کنار مذاکرات هسته‌ای برنامه موازی (نقشه دوم) دیگری ندارد، حریف با وجود امتیازات نقد فراوانی که گرفته است، چند برنامه موازی دیگر را برای پیشبرد اهداف باج‌خواهانه خود با جدیت دنبال می‌کند که یکی از با اهمیت‌ترین آنها پروژه کاهش قیمت نفت با همکاری مستقیم دربار آل‌سعود است. آمریکا طی دو ماه اخیر با عملیاتی کردن این پروژه قیمت نفت را از ۱۲۰ دلار در هر بشکه به ۸۰ دلار رسانده و پیش‌بینی می‌شود که این روند تا کاهش ۷۰ دلار ادامه یابد. حالا به این محاسبه سرانگشتی و بسیار روشن و بدیهی توجه کنید.

میزان فروش نفت کشورمان روزانه یک میلیون بشکه است یعنی در صورت عدم کاهش قیمت نفت درآمد نفتی جمهوری اسلامی ایران طی ۷ ماه آینده مبلغ ۲۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود. اما با کاهش ۴۰ دلاری در هر بشکه، مبلغ ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از درآمد نفتی ما طی ۷ ماه آینده کاسته می‌شود یعنی، طی ۷ ماه آینده الف: مبلغ ۴/۲ میلیارد دلار از دارایی‌های خودمان را آزاد می‌کنند ب: در مقابل اما دهها میلیارد دلار از دارایی‌های جدید نفتی کشورمان را بلوکه می‌کنند و ج: ۸/۴ میلیارد دلار نیز از درآمد نفتی ایران می‌کاهند! به بیان دیگر همین امروز دو برابر آنچه که قرار است بگیریم را از دست داده‌ایم. بنابراین انتظار می‌رود دولت محترم در کنار مذاکرات هسته‌ای، برنامه‌های موازی دیگری نیز طراحی کرده و به میدان آورد.

اما در مقابل چه گرفتیم؟ با جرأت می‌توان گفت: فقط یک مشت «وعده‌های نسیه» که تاکنون به هیچ‌یک از آنها عمل نشده است. - ممکن است دوستان محترم ما به آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه شده کشورمان اشاره کنند. آزادسازی مبالغی که حریف به عنوان یک امتیاز روی آن مانور می‌دهد، فقط بخش بسیار اندکی از دارایی‌های مسدود شده خودمان است نه آن که از کیسه حریف آمده باشد! گفتنی است در مرحله اول توافق ژنو ۴/۲ میلیارد دلار از بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی مسدود شده خودمان در آن زمان به اصطلاح آزاد شده بود و در مرحله دوم که ۲/۸ میلیارد دلار آزاد می‌شد، میزان دارایی‌های مسدود شده کشورمان به ۱۳۰ میلیارد دلار رسیده بود یعنی در دور اول ۴/۲ میلیارد آزاد کردند و در عوض ۳۰ میلیارد دلار دیگر را بلوکه کردند! و قس علیهذا...

بنابراین به وضوح می‌توان دید که در توافقنامه ژنو که ۷ ماه دیگر تمدید شده استنه فقط هیچ امتیازی به دست نیاورده‌ایم، بلکه امتیازهای نقد فراوانی به حریف داده‌ایم. تا آنجا که دو روز پیش اوپاما با صراحت اعلام کرد، «توافق ژنو» به طور قطع پیشروی برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرده بنابراین یک توافق موفق بوده است» و جان کری وزیر امور خارجه آمریکا با اشاره به همان توافق ژنو به کنگره اطمینان می‌دهد که «سانت‌رفیوژها نمی‌تواند به روند پیشین بازگردند» و تاکید می‌کند «احمق خواهیم بود اگر بخواهیم شرایط امروز را ترک کنیم و به عقب برگردیم» و دهها اظهار نظر مشابه دیگر از سوی مقامات رسمی آمریکا.



برای رصد کردن اتفاقات با من همراه شو...

(راه ارتباطی با ما: rasad.hsu@gmail.com)

ممنون از نگاه های شما